

نگاهی به گذشته در امروز

نوشیروان کبهایی زاده

کارنامک اردشیر بابکان

کار جمع آوری و تألیف تاریخچه اردشیر بنیادگذار دودمان ساسانی تحت عنوان «کارنامک اردشیر بابکان» مارس سال ۳۰۰ میلادی (اسفندماه) پایان یافت و چند روز بعد نسخه اصلی آن به مناسبت نوروز در تالار پذیرایی کاخ سلطنتی در تیسفون قرار گرفت. به نوشته مورخان رومی، «ترسی» شاه وقت پس از خواندن کارنامه اردشیر از این که نتوانسته بود مانند او رویان را از نزدیک شدن به قلمرو ایران بازدارد از فرط اندوه بیمار شد و به نفع پسرش «هرمز» کناره گیری کرد. کارنامه اردشیر قرن‌ها نصب‌العین سران ایران بود.

نافرمانی ششبار

نافرمانی ایل قشقایی در فارس که خواستار آزاد شدن سردار صولت رئیس خود از زندان تهران و بازگشت او به فارس و ریاست مجدد بر ایل بود از یک هفته به نوروز سال ۱۳۰۸ آغاز شد و به تدریج به صورت یک بحران درآمد، زیرا در چند استان دیگر هم آثار نافرمانی در عتبات آشکار شد و ایل پختیاری حتی دهکرد (شهرکرد امروز) را متصرف شد. قشقایی‌ها درخواست‌های دیگری داشتند ازجمله حفظ سلاح‌های خود، اجبار اردشیر به ترک لباس‌های سنتی و معرفی پسران خود به خدمت سربازی. آنان با مداخله دولت در امر کشت خشکشاخ و جمع آوری تریاک حاصله هم مقاومت نداشتند. چون درخواست‌های آنان پذیرفته نشد دست به حمله به نیروهای قالی و پاسگاه‌های انتظامی و روستاها و شهرهای فارس زدند و شیازرا را محاصره کردند. شمار محاصره‌کنندگان شیازرا را که تحت نظر سلاجحمت برادر سردار صولت عمل می کردند بیش از پنج هزار تن گزارش کرده بودند. دولت وقت در واکنش خود، فرماندهان نظامی و استادان در مناطقی را که نافرمانی در آنجا مشاهده می‌شد تغییر داد و تنبیه کرد و استاندار نظامی با سر باز نشدن و توپ فرستاده و دست به سخت‌گیری و خشونت زد که از مرداد ماه ۱۳۰۹ بدون این که کوچک‌ترین امتیازی داده شود به تدریج اوضاع به حالت عادی بازگشت. دولت در آبان‌ماه همان سال دولت مستعبدخان بلوچ را که از فرصت نافرمانی قشقایی سوءاستفاده کرده بود و بار دیگر باغی شده بود اقدام کرد. سردار صولت هم که از او سلب ریاست ایل شده بود چند سال بعد در زندان درگذشت.

قانون ملی شدن نفت تصویب شد

۱۵ مارس ۱۹۵۱ (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) پس از سه‌ماه مبارزه، کابینه قلی‌قلی‌خان بالاخره رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت، طرح دکتر مصفاقی و یارانش مبنی بر ملی شدن نفت کشور به اتفاق آراء به تصویب مجلس شورا رسید و انتشار خبر این ابرتپان را به گونه‌ی شادمان ساخت که به خیابان‌ها ریخته‌شد و تا نیمه‌شب شادی کردند. پس از تصویب طرح، مردم نمایندگان مجلس را بر روی دوش پادشاه به خانه‌هایشان رسانیدند. روزهای بعد نیز مجلس مردم قطع شد و تا پایان ایام نوروز ادامه یافت. چهار روز بعد (۲۹ اسفند) سنانیز به‌رغم اعتراض شدید دولت انگلستان طرح را تصویب و همان روز به امضای شاه رسید. بعداً به پیشنهاد دکتر مصدق» ۲۹ اسفند» روز ملی و تعطیل عمومی اعلام شد.
قرن ۲۰ نفت ایران در انحصار انگلستان بود.

زادروز مارلو پونتی

موریس (ژان ژاک) مارلو پونتی Maurice Marleau Ponty فیلسوف قرن ۲۰ فرانسه ۱۴ مارس در سال۱۹۰۸ به دنیا آمد و ۵۳ سال عمر کرد. وی که پدر خود را در جنگ جهانی اول از دست داد جوان‌ترین فلسفه‌دانی بود که در فرانسه در دانشگاه «تورین» این رشته پرداخت. مارلویونتی درعقاید «مارتز» و «مارکس»، هر دو تعدیل ایجاد کرد. او با آزادی مطلق که سائر مطرح ساخته بود مخالفت کرده است.

درگذشت مرید بزرگی که

۷۰ دانستان تاریخ نوشت

هوارد فاست نویسنده بزرگ و چگیرای آمریکا ۱۲ مارس ۲۰۰۳ در ۸۹ سالگی درگذشت. وی ۷۰ دانستان تاریخی از جمله دانستان اسپارتاکوس را نوشته و همه دانستان‌هایش زمینه انقلابی و چپ داشته و بیشتر آنها به صورت فیلم سینمایی در آمده‌اند.
هوارد در سال ۱۹۴۳ به عضویت حزب کمونیست آمریکا در آمد و تنها نویسنده آمریکایی است که از استالین جایزه ادبی گرفت.
هوارد ۱۱ نوامبر ۱۹۱۴ در نیویورک به دنیا آمد و پدرش کارگر کارخانه بود. بیست‌ساله بود که نخستین دانستان خود را به پایان رسانید. او از همان زمان تصمیم گرفت که به لانه‌ی کتاب‌های تاریخ، قهرمانان انقلابی و کسانی‌که به خاطر آزادی و معادلت بشر و میهن‌شان فداکاری کرده‌اند بیاید و بر حکام را قهرمان یک دانستان خود کند. وی سه دانستان درباره انقلاب استقلال آمریکا نوشت که هنوز تجدیدچاپ می‌شوند تحت عناوین «عبور»، «راه آزادی» و «آمریکایی». این سه داستان به صورت فیلم سینمایی درآمده‌اند. در دانستان تاریخی «عبور» که رویداد گذشتن سربازان انقلاب به هدایت جرج واشنگتن از رودخانه دلپور گرفته شده، هوارد نقش فرد را در پیشبرد و به ثمر رساندن یک انقلاب به اثبات رسانده و ثابت کرده‌است که اگر شخصیت نیرومند جرج واشنگتن نبود شاید انقلاب استقلال آمریکا به آن صورت تحقق نمی‌یافت. هوارد عقیده داشت که دانستان‌های یک بیوگرافی نه تنها صاحب آن را بهتر می‌شناساند بلکه کارها، قهرمانی‌ها، جانفشانی‌ها و هدف‌های او که با خیال نویسنده تلطیف شده و تکامل یافته‌اند سرمشق دیگران به ویژه جوانان خواهد شد و نویسنده در عین حال در متن دانستان عقاید و فریضه‌های خود را هم توجیه و تلقین می‌کند. هوارد که به دلیل شهرت چپگرایی پیم داشت که ناشی از انتشار کتاب‌هایش آکراه کنند، خود شرکت نشر «بلو هرون پرس» را دایر کرد. از میان کتاب‌های پرخواننده او «راهی برای مردم»، «تنبه» نام پهن»، «لولا: دختر مهاجر»، «نسل دوم»، «کمونیست بودن» و «اسپارتاکوس» شهرت بیشتری دارند. در دهه ۱۹۵۰ یک کمیسوین‌کنگره آمریکا درباره شایعه کمک‌های مالی او به کمونیست‌های فرانسه از وی توضیح خواسته بود.

۲۵ اسفند ۱۳۱۱ مشهورترین تصفیه سیاسی دوران رضاخان اتفاق افتاد که در آن شخص اول مملکت شخص دوم مملکت را نابود کرد.
صبح این روز دادگاهی به ریاست «عبدالمعلی لطفی» و دادستانی «سردی» تشکیل شد که در آن «سیدهاشم وکیل» و دکتر «احمد مقلب» از «عبدالحسین تیمورتاش» وزیر دربار و با نفوذترین دولتمرد زمان خود در مقابل اتهام فساد مالی دفاع می‌کردند. محاکمه تیمورتاش زنگ خطری برای مستبدانان دوران پهلوی اول بود تا نسبت میان خود و سلطنت استبدادی را دوباره ارزیابی کنند.

عبدالحسین تیمورتاش معروف به سردار معظم و ملقب به معززالملک در سال ۱۲۶۰ شمسی در بجنورد متولد شد. پدر او حاکم محلی خراسان بود که فرزندش را برای تحصیل به سنت پترزبورگ فرستاد. عبدالحسین پس از بازگشت به ایران وارد وزارت خارجه شد و بعد از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم به وکالت از مردم خراسان انتخاب شد. مدتی حاکم گیلان بود و در ۱۳۰۰ که مجلس دوره چهارم افتتاح شد باز هم به وکالت انتخاب شد. پس از سقوط کابینهٔ قوام و نخست‌وزیری مشیرالدوله، تیمورتاش وزیر عدلیه شد که چند ماه بیشتر ادامه نیافت. بعد از آن به کرمان و بلوچستان رفت و تا دوره پنجم که به وکالت از نیشابور به مجلس شورای ملی برگشت چهره چندان شاخصی به شمار نمی‌آمد. تنها اتفاق این دوران از زندگی وی اعدام «دکتر حشمت» از اعضای نهضت جنگل در گیلان بود که البته دخالت خود در این اعدام رد کرده و آن را به نیروهای نظامی خارجی منسوب می‌کند. (ابراهیم خواجه‌نوری، به نقل از کتاب بازگیران عصر پهلوی محمود طلوعی) دوران ورود تیمورتاش به قدرت از سال ۱۳۰۳ آغاز شد که زمینه‌های ظهور رضاخان به چشم می‌خورد. وی از ۱۳۰۳ وزیر فواید عامه شد و اقداماتی را در جهت خلغ احمدشاه انجام داد. در مدت یک هفته پس از انتقال سلطنت پادشاه به وی تعلق یافت و تیمورتاش وزیر دربار شد.

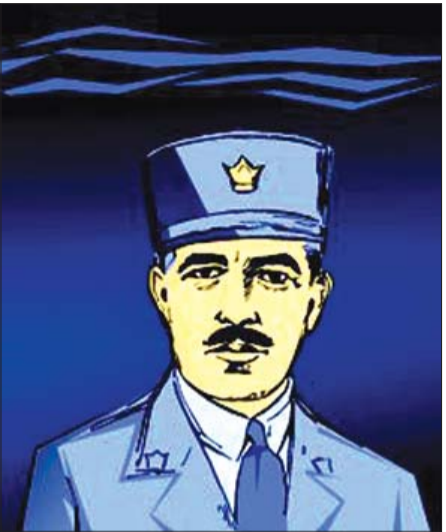
به درین علقق تیمورتاش و رضاشاه با یکدیگر بسیار آشنفته و زیانبار بود. تیمورتاش با سفر به مسکو و انجام مذاکرات مشکلات تجاری را مرتفع کرد و در بازگشت توجه شد که روابط کابینه مستوفی و مجلس هم تقریباً به همان‌اشنگنی است. اگرچه به وساطت وزیر دربار بحران تا حدی فروکش کرد ولی بالاخره در خرداد۱۳۰۶ ستوفی کنار رفت. مجلسیان تمایل خود را به نخست‌وزیری تیمورتاش اعلام کردند. وزیر دربار موضوع را به شاه منتقل کرد و رضاخان به او گفت «تو را نخست‌وزیر نمی‌کنم ولی هرکسی را که پیشهاد کنی می‌پذیرم.» این صورت مخبرالسلطنته از عوامل او به نخست‌وزیری رسید و تیمورتاش در پله دوم قدرت پس از شاه قرار گرفت. قدرت تا سال ۱۳۱۰ ادامه پیدا کرد. سفرا، وزرا، استانداران و حتی وکلای مجلس تحت نفوذ او قرار می‌گرفتند. وی حتی برای تعیین سیاست خارجی ایران

تاریخ

به مناسبت ۲۵ اسفند محاکمه تیمورتاش

وزیر دربار

محمد سربانی



وزیر دربار ولیعهد جوان را برای تحصیل به اروپا برد و در این سفر مذاکراتی را با دولت انگلستان برای افزایش سهم ایران از درآمد نفت آغاز کرد که تنها نتیجه آن بدبینی دولتی انگلستان به وی بود. گویا به تحریک انگلیس در برخی روزنامه‌های اروپایی که مورد توجه و مطالعه دربار ایران بودند نوشته‌هایی در مورد قدرت تیمورتاش و آمادگی او برای کسب سلطنت در غیاب ولیعهد جوان و شاه پیر به چاپ رسید. (شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، باقر عاقلی)
مهرزمان تیمورتاش به شوری سر کرد تا مذاکرات محرمانه‌یی را در مورد نفت با آنها انجام دهد. در این سفر ملاقات‌هایی با مقامات ارشد شوری از جمله ورشلیف و وزیر جنگ این کشور نیز انجام شد که مفاد آن محرمانه باقی ماند. تمایل انگلستان برای حذف تیمورتاش از قدرت، پیرونده‌سازی‌های دشمنان داخلی او مانند سرلشگر «آیرم» رئیس شهرانی و اقدامات خود او در به رخ کشیدن قدرت و ابتکار عمل فردی‌اش زمینه تیره شدن روابط با دربار و رضاخان را فراهم ساخت.
نمی‌کند ولی هرکسی را که پیشهاد کنی می‌پذیرم.» این صورت مخبرالسلطنته از عوامل او به نخست‌وزیری رسید و تیمورتاش در پله دوم قدرت پس از شاه قرار گرفت. قدرت تا سال ۱۳۱۰ ادامه پیدا کرد. سفرا، وزرا، استانداران و حتی وکلای مجلس تحت نفوذ او قرار می‌گرفتند. وی حتی برای تعیین سیاست خارجی ایران

هر سال دو ماه به اروپا سفر می‌کرد. دو تن از همکاران او در تشکیل باند قدرت سایه نصرت‌الدوله فیروز از خانواده بزرگ فرمانفرمایان و علی‌اکبر داور نماینده پارلمان بودند. جعفر قلی‌خان سردار اسعد نیز روابط خوبی با وی داشت. برای مدتی سردار معظم تیمورتاش تمام کشور را در کنترل خود گرفت و سقوط نیز از همین جا شروع شد.

در سال ۱۳۱۰ وزیر دربار ولیعهد جوان را برای تحصیل به اروپا برد و در این سفر مذاکراتی را با دولت انگلستان برای افزایش سهم ایران از درآمد نفت آغاز کرد که تنها نتیجه آن بدبینی دولتی انگلستان به وی بود. گویا به تحریک انگلیس در برخی روزنامه‌های اروپایی که مورد توجه و مطالعه دربار ایران بودند نوشته‌هایی در مورد قدرت تیمورتاش و آمادگی او برای کسب سلطنت در غیاب ولیعهد جوان و شاه پیر به چاپ رسید. (شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، باقر عاقلی)
مهرزمان تیمورتاش به شوری سر کرد تا مذاکرات محرمانه‌یی را در مورد نفت با آنها انجام دهد. در این سفر ملاقات‌هایی با مقامات ارشد شوری از جمله ورشلیف و وزیر جنگ این کشور نیز انجام شد که مفاد آن محرمانه باقی ماند. تمایل انگلستان برای حذف تیمورتاش از قدرت، پیرونده‌سازی‌های دشمنان داخلی او مانند سرلشگر «آیرم» رئیس شهرانی و اقدامات خود او در به رخ کشیدن قدرت و ابتکار عمل فردی‌اش زمینه تیره شدن روابط با دربار و رضاخان را فراهم ساخت.
نمی‌کند ولی هرکسی را که پیشهاد کنی می‌پذیرم.» این صورت مخبرالسلطنته از عوامل او به نخست‌وزیری رسید و تیمورتاش در پله دوم قدرت پس از شاه قرار گرفت. قدرت تا سال ۱۳۱۰ ادامه پیدا کرد. سفرا، وزرا، استانداران و حتی وکلای مجلس تحت نفوذ او قرار می‌گرفتند. وی حتی برای تعیین سیاست خارجی ایران

هر سال دو ماه به اروپا سفر می‌کرد. دو تن از همکاران او در تشکیل باند قدرت سایه نصرت‌الدوله فیروز به جرم تحریک ایلات فارس علیه حکومت مرکزی دستگیر شده بود تیمورتاش موفق شد خود را از این حادثه دور کند. ولی اکنون مخالفتی چون فروغی و تقی‌زاده نیز در مقابل او قد

نگاهی به خاطرات اردشیر زاهدی

حرف‌های یک محرم شاه

فاضلی بیرجنندی



سکوت را شکسته خاطره‌هایی می‌گوید که با گفتن فرق نمی‌کند. چه توفیر دارد که خواننده کنجکار در

تاریخ بیاندان اردشیر زاهدی را باغ‌وحش لندن برای خوشایند شاه مار بولبی رابه گردن می‌اندازد و بوی زنده‌مار تا ۲۴ ساعت بعد در نمونه‌هایی از تعصب کاری پدر را نقل می‌کند. تعصب کاری نخست‌وزیری که برای کار احترام خاصی قائل است، کسی را اجازه مداخله در عرصه کارش نمی‌دهد و ابدأ اهل اشغال ایران آوره شده و در کار

حداقل بعضی از دیدارها، گفت‌وگوها و مراسم سفر بوده است. چنانچه می‌گوید: کارهای اعلیحضرت (در آن سفر) در دست من بود از کارهای تشریفاتی گرفته تا امور حسابداری. (ص ۲۱۵)اردشیرخان از سفر آمریکا تا خبری درخور مردی سیاسی نمی‌گوید میسرانکه از حوادث روزهای پیش از ۲۸ مرداد و تا خود آن روز و علل نخست‌وزیری تا سعدآباد را برود و بیاید. (ص ۱۹۹) پس از آن آجودان کشوری پادشاه می‌شود. او که تجربه‌ی در تشریفات بسیار ندارد گرفتاری‌های خاصی پیدا می‌کند از قبیل تهیه لباس مخصوص حضور در مراسم سلام، پوشیدن لباس تشریفات کسی دیگر که اندازه تنش نبوده، وارد نبودن به آداب حضور یافتن در برابر پادشاه و . . . تا آنجا که یک بار تداعی آداب حضور و اشعار ناگهانی وی بر آغوش مانده آن آن، طوری موجب دستپاچگی‌اش می‌شود که دستش محکم به پهلوی شاه می‌خورد (ص ۲۰۶) اما شاه می‌خندد و غضبی نمی‌کند. زاهدی در چند جای دیگر هم ضمن نقل خاطراتش تاکید می‌کند که شاه خندیده است. یادآوری خنده او شاید از آن جهت است که اردشیرخان که از نزدیک‌ترین کسان به شاه بوده بهتر از بسیاری از دیگران به یاد داردکه محمدرضا شاه در فاصله سال ۳۲ تا ۵۷ مسیری طولانی را پیمود و استعالمه‌یی مثالی را از سر گذراند و یک مستبد شرقی محض و کامل عیار از وی زده شد. در همین دوره آجودانی است که اردشیر زاهدی در عیادت شد در نخستین سفرش به آمریکا می‌رود. سفر چند ماهی به درازا می‌کشد و چون به فاصله کمی پس از ۲۸ مرداد و تغییر دولت انجام شده حساسیت خاصی دارد. اما اردشیرخان هر چند خوب بر این حساسیت واقف است متاسفانه از مواقع آن سفر سیاسی و حساس چیزی نمی‌گوید. به جای آن مطالبی را عنوان می‌کند که شنیدنش از زیان شخصیتی در جایگاه‌وی کسالت‌آور است. از قبیل اینکه اعلیحضرتین آخر شب گریسته بودند و چون بیخچال‌ها و قفسه‌ها را از لحاظ امتیعی قفل کرده بودند اردشیرخان به هتلی می‌رود و مقراری بنیر و زامبون پیدا می‌کند و ساندویچ درست می‌کند و می‌آورد. (ص ۲۲۴)

نقل این قبیل خاطره‌ها از سفری کاملاً سیاسی جای شگفتی دارد. در همین کتاب نوشته شده و در جاهای دیگر هم خواننده همیشه‌ایم که اردشیر زاهدی در سال‌های پس از انقلاب همیشه ترحیح داده که ساکت ماندند و زبان به نقل خاطره‌ها نگشاید. جای دریغ است که وقتی هم مهر البته اختلافات پدرش با شاه اگر مسبباتی داشته لاید آنان هم نگاه خاص خود به اختلاف را دارند و نباید درباره اختلاف در همین جا داوروی کرد. اما آنچه جای تردید ندارد و حتی تاسف‌آور است میں مفرط شده به دخاللت در همه امور و ریاضت‌کردن تمام مسائل مملکتی بوده و این را زاهدی که خواستار جدا ماندن شاه از حکومت بوده گران می‌آمد

پیرونده جاسوسی برنامه‌ریزی و بزرگنمایی شده است. به هر صورت روز نهم مهرماه ۱۳۱۲ تیمورتاش در زندان به دلیل مسمومیت و احتمالاً خفگی کشته شد. این شیوه سردار اسعد به همان شیوه مسموم و سقیم کرد شفاعت تیمورتاش را پیش رضاشاه به جا بیآورد ولی موفق نشد. وی در آبان ۱۳۱۲ به توطئه برای قتل رضاشاه متهم شد و به زندان افتاد که در آنجا سرنوشتی دقیقاً مشابه نصرت‌الدوله در انتظارش بود. علی‌اکبر داور که مواقت مجلس شورای ملی را برای تصویب ماده واحده انتقال سلطنت جلب کرده بود عاقبت بهتری پیدا نکرد و وساطت او نیز برای تیمورتاش مؤثر نیفتاد. داور مدتی بعد به وزارت دارایی رسید و ظاهراً در جریان اتهام فروش ارز رضاشاه برخورد لفظی تندی با داور کرد. این رفتار چنان تأثیری بر روحیه او گذاشت که علی‌اکبر داور در سال ۱۳۱۵ قبل از اینکه گزارش به زندان و سم و خفگی بیفتد خودکشی کرد.

تیمورتاش در ابتدای دوران پهلوی بانفوذترین دولتمرد ایران بود. در بین افکار عمومی هم نام تیمورتاش معرف قدرت و معادل دربار به شمار می‌آمد که حمایت او می‌توانست هر کاری را ممکن کند. مسعود بهنود در کتاب از سیدضیاء تا بختیار عنوان می‌کند که میهمانی‌های بزرگ وزیر دربار از جمله بزرگترین مجالس ایران به سبک اروپایی بود که یک بار میهمانی خارجی همسر تیمورتاش – سرورالسلطنه – را به دلیل جواهرات گرانبها و منحصر به فرش با ملکه تاج‌الملوک اشتباه می‌گرداند. اولین کنسرت آواز زن با اجرای قمر الملوک در گلدرهتل نیز با تشویق تیمورتاش برگزار شد. در آن عبدالحسین تیمورتاش در اروپا با عنوان شاهزاده (پرنس) نام برده می‌شد در حالی که نسبت سلطنتی نداشت. در ایران نه تنها مردم عادی بلکه اشراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.

اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.
اسراف نیز از استبداد در امان نبودند حتی اگر خود نیز قسمتی از دستگاه استبدادی سلطنت به شمار می‌رفتند.

علاوه بر آنکه خاطرات سیاستمدار و دیپلمات معروفی است و از این حیث خوانندگی است حاوی روایتی از روزهای قبل و بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ از زاویه دید سپهبد زاهدی و فرزند اوست و به همین جهت با دیگر منابع مربوط به آن روزها و سال‌ها تفاوت عمده دارد.

امین همچنان که در دوره‌های بعد همین میل مفرط به قدرت مطلق ضررها می‌بیند و به شاه و به کشور زد. اردشیر زاهدی البته از زاویه دیگری به پدرش نگاه می‌کند و این نگاه در سراسر کتاب نگاهی عازری از انتقاد است اما در چند جا نمونه‌هایی از تعصب کاری پدر را نقل می‌کند. تعصب کاری نخست‌وزیری که برای کار احترام خاصی قائل است، کسی را اجازه مداخله در عرصه کارش نمی‌دهد و ابدأ اهل اشغال ایران آوره شده و در کار نیست. حتی پسرش را از مداخله با ال‌رگذاری در کارها منع می‌کند و سرسختانه جلوی او را می‌گیرد. نمونه‌اش انتقاد اردشیر از دو تن از وزیران کابینه است که بی‌درنگ با پرخاش پدر روبه‌رو می‌شود. پرخاشی چنان تند که اردشیر ناگزیر کتاب نامناسب است و بهتر بود که در پایان و در فصلی جداگانه به چاپ می‌رسید. سوم جای چند نامه، سند و یا دست کم دست‌خطی از اردشیر زاهدی و البته پدرش در کتاب خالی است. این البته ایراد کارگفت‌وگوکننده است که باید از زاهدی نمونه‌یی از نامه‌ش را می‌خوانست و به کتاب در حوالی همین دوره پایان می‌یابد. (ص ۲۹۶) پیوست از اینجا به کتاب افزوده شده که نخستین شامل است بر اسنادی از وزارت خارجه بریتانیا، آمریکا، کتاب ویلیم وارن و اصل نامه‌ها. در دومین بخش اسنادی از سال‌های اشغال ایران آوره شده و در واپسین صفحات هم فهرست نام‌ها قرار دارد.

خاطرات اردشیر زاهدی در چند جلد است و بنا به گفته صادق سپهیی مدیر کتاب سرا جلد دوم دوترا از تابستان آینه‌د منتشر نخواهد شد. این کتاب جای خود را در میان کتاب‌های ماندگاری ثبت خواهد کرد که هر دل‌نسته به تاریخ این مرز و بوم ناگزیر از داشتن آن است. همین جلد نخست

خبر

سارا شریعتی:

روشنفکران از قبیله خود خارج شوند



سازارشریعتی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران نسبت به نظر استاد مجتهدشیرازی که از «اسلام حقیقت» در مقابل «اسلام هویت» دفاع کرده بود و سخنرانی دکتر سروش مبنی بر اینکه «ابه‌دین به صورت اسطوره‌ونه‌به حسرت اتوپیا نگاه کنیم»، انتقاد کرد. به گزارش «اینا» سارا شریعتی که چندی پیش طی سخنانی در موسسه حکمت و پژوهش با عنوان «روشنفکران: قیابل و عشایر» صحبت می‌کرد، درباره سخنان استاد مجتهدشیرازی که از «اسلام حقیقت» دفاع کرده و نسبت به «اسلام هویت» هشدار داده بود، با بیان اینکه هویت‌گرایی محکوم است چون به اشتقاق و جدایی جامعه بشری می‌انجامد، تصریح کرد: به قول «فانزن» ما حق نداریم سپاه باشم، زین، باشم یا ایرانی باشیم. باید بر اشتراکات انسانی خود تکیه کنیم یا به قول مجتهدشیرازی باید بر حقیقت تکیه کنیم اما با رویکرد جامعه‌شناختی می‌بینم که ما در عمل با هویت‌ها سر و کار داریم نه با حقیقت‌ها. در واقعیت اجتماعی در زمان و مکان آنچه با آن روبه‌رو هستیم، هویت‌ها هستند. هویت‌ها وجود دارند، کارکرد دارند و باید داشته باشند. حذف هویت‌ها به معنای استانداردیزه شدن جوامع است. وی در ادامه سخنانش به نقد سخنان دکتر سروش پرداخت که در تحلیل سنت روشنفکری دینی در سخنرانی منزل عبدالله‌نوری که گفته بود، «درس دیگری که ما به‌خصوص در بعد از انقلاب گرفته‌ایم، این است که دیگر به دین نه به صورت اسطوره نگاه کنیم و نه به حسرت اتوپیا، تعبیر اسطوره‌یی متعلق به سنت‌گرایان است و دین اتوپییایی هم فاجعه‌آمیز» گفت: به این بحث نیز با رویکردی جامعه‌شناختی می‌توان اما و اگرهایی افزود، به این معنا که اسطوره‌زدایی از دین که حرکتی بود که از قبل انقلاب روشنفکران برای مبارزه با اسطوره‌زدایی در دین و رویکردی تاریخی آغاز کردند، حرکتی آگاهی‌بخش و توگرایانه بود و هست و امروزه ما از این دستاوردهاست که بهره می‌بریم. این استاد جامعه‌شناسی افزود: تخلیه دین از همه مولفه‌های اسطوره‌یی‌اش، اسطوره‌ها را از حیظه دین می‌زداید و در این حال اسطوره‌یی که دیگر خانه‌یی در دین نمی‌یابد، به قول «سیرنو» در حوزه‌های دیگری به طور مشخص به سیاست است که نقل مکان می‌کند و در این حال می‌تواند خطرناک شود. شریعتی تصریح کرد: از امام حسین(ع) اسطوره‌زدایی می‌شود و این باریک شخصیّت سیاسی، یک ستاره سینمایی با تیک‌هاترمن‌ورزشی اسطوره‌یی می‌شود؛ اسطوره‌یی که به گفته «الیاده مورن» در دنیای مدرن حضور دارد، کارکرد دارد، واقعیت دارد. مجتهد‌شناسی نیز اسطوره‌های بین‌الجنگل‌خوار دارد. شریعتی در ادامه بحثش به بررسی وضعیت روشنفکران در ایران پرداخت و تصریح کرد: به هر سبب روشنفکران در ایران امروز می‌رسیم و این فرضیه که یکی از قبایل شکل گرفته در ایران روشنفکران هستند. روشنفکرانی که از نیم آنکه به پوپولیسم متهم شوند، بیش از پیش التیبتی می‌شوند. از جامعه و مردم فاصله پیدا می‌کنند و در قیابیل خودشان سنگر می‌گیرند. وی افزود: در حالی که در ایران در کنار تاریخ رسمی که در مطبوعات و رسانه‌ها انعکاس می‌یابد، یک تاریخ زیرزمینی در حال شکل‌گیری است که باید شناسایی کرد و از اعماق جامعه استخراج کرد؛ تاریخ زیرزمینی دین، هنر، ادبیات، سیاست و فرهنگ. در این میان روشنفکران کجا هستند؟ پیش از پیش در میان قیابیل خودشان. با هم گفت‌وگو می‌کنند؛ جلد می‌کنند، خود را تایید و تکذیب می‌کنند در حد مقالات و مطالبی. اغلب پرسش‌شان از متن است و نه از جامعه و مرجعشان کتاب‌ها شده و نه جامعه. شریعتی گفت: روشنفکر قبیله‌یی باید به روشنفکر عشیره‌یی بدل شود یا به قول شریعتی به روشنفکر آواره. عشایری که به قول دکتر کاتوزیان همیشه در ایران قدرت گرفتند می‌رفزند و کجا نشین نبودند، از این گوشه به آن گوشه سرزمین می‌جفتند و مازاد محصول را جمع می‌کردند. تنها با خروج از قبیله‌های خود و رفتن به سراغ دیگران است که روشنفکران می‌توانند به صدای اعماق جامعه گوش سپارند و بازتاب فکری و انتقادی آن باشند. بر اساس این گزارش، سخنرانی با پرسش و پاسخ ادامه یافت. یکی از حضار پرسید شریعتی قرائتی آیدنیولوژیک از اسلام ارائه داد و اسلام ابوذری را مطرح کرد چون می‌خواست انقلاب کند، نظر شما چیست؟شریعتی پاسخ داد: ما در یک رویکرد به تحلیل دیندشه و انگیزه متفکر، منطق و نیاز اجتماعی را هم در نظر می‌دهیم اما اگر رویکرد اجتماعی را حفظ کنیم، باید جدا از دیندشه و انگیزه متفکر، منطق و نیاز اجتماعی را هم در نظر گرفت. شریعتی ۳۰سال پیش در پشت جلد‌مثنوی به احسان ابوذر و یک‌بال مولانا، با این دو بال می‌توان پرواز کرد. اما در آن‌سال‌ها بود که مولانا نیازی نداشت، ابوذر اما به کارش می‌آمد. این دو بال ابوذر را گرفت و مولانا را رها کرد. شنید و نخواهد ۳۰ سال گذشته است و امروز ظاهراً جامعه به مولاناست که نیاز بیشتری یافته است. اگر شریعتی با ابوذر بیشتر شاخص شد، نه الزاماً به دلیل غیبت یا غفلت از مولانا بود، چنانچه او مثلاً به ابوذر و سلمان و تفاوت‌هایشان اشاره داشت و همچنان که ابوذر غازی را ترجمه کرد، سلمان پاک را نیز به ما معرفی کرد. شاخص شدن ابوذر به دلیل شرایط اجتماعی و نیاز آن مقطع جامعه بود.

شماره مجوز: ۱۸۰۵۶۰

سازمان منطقه و پژوه اقتصادی انرژی پارس در نظر دارد انجام عملیات تکمیل ساختمان نیروی انتظامی را از طریق مناقصه عمومی و با مشخصات ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

الف: شرح مختصر پروژه: تکمیل ساختمان نیروی انتظامی، دیوار کشی و محوطه سازی.

ب: محل اجرای پروژه و مدت انجام کار: سلسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس و مدت زمان اجرای پروژه ۱۲ ماه می باشد.

ج: برآورد مالی پروژه: برآورد مالی کارفرما جهت اجرای پروژه ۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد.

د: شرایط شرکت در مناقصه: ۱- داشتن امکانات و تجهیزات تخصصی لازم متناسب با موضوع پیمان و توانایی انجام کار مطابق با استانداردهای رایج در صنعت نفت. ۲- توانایی ارائه ضمانت نامه شرکت در مناقصه به میزان ۸۴/۵۰۰۰۰۰۰ ریال. ۳- داشتن رتبه ۴ سازمان از کلیه پیمانکاران علاقه مند واجد شرایط تقاضا می‌گردد ظرف مدت نهمه تا هفته انتشار این آگهی مشخصات و تصویب اسناد مناقصه خود را به سامانه سایز مدارک و تقاضای کتبی شرکت در مناقصه به نشانی: استان بوشهر، بندر عسلویه، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، دبیرخانه کمیسیون مناقصات تحویل نمایند. لازم به توضیح است که پس از بررسی لازم اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط تحویل داده خواهد شد و کارفرما در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد. ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد. این آگهی قابل رویت در پایگاه اطلاع رسانی سازمان **www.PSEZ.ir** می باشد.

روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس